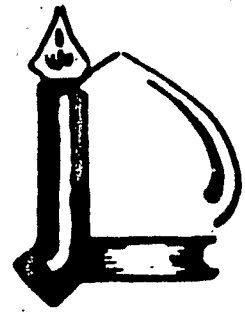




دانشگاه فردوسی مشهد
فصلنامه مطالعات تحصیلات تکمیلی
۱۳۶۱

مرکز اختراعات و نوآوری
تهران

۱۳۷۸ / ۴ / ۲۰



دانشگاه فردوسی مشهد
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
رشته تاریخ

موضوع:

روابط سیاسی ایران و ایالات متحده آمریکا در دوران قاجاریه

استاد راهنما: آقای دکتر مسعود فرنود
استاد مشاور: آقای دکتر حسین الهی

پژوهش و نگارش
محمد نبی سلیم

۰۳۱۲۶

سال تحصیلی

۱۳۷۳-۷۴

به:

پدر و مادر مهربانم

و همه عزیزان دیگری که یاریم دادند

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
الف.....	پیشگفتار
۱.....	مقدمه
۱۰.....	فصل اول: «تاریخچه روابط خارجی ایران»
۲۱.....	فصل دوم: «نگاهی به تاریخ ایالات متحده آمریکا»
۳۴.....	فصل سوم: «میسوینرهای آمریکائی در ایران»
۴۸.....	فصل چهارم: «مقدمات و چگونگی برقراری روابط سیاسی»
۶۱.....	فصل پنجم: «روابط دو جانبه در خلال سالهای ۱۹۱۱-۱۸۸۳»
۸۱.....	فصل ششم: «هیئت مورگان شوستر»
۱۰۶.....	فصل هفتم: «مناسبات دو جانبه در خلال سالهای ۱۹۲۰-۱۹۱۲»
۱۲۱.....	فصل هشتم: «جریان امتیاز نفت شمال»
۱۳۸.....	فصل نهم: «هیئت آرتور میلیسپو»
۱۵۷.....	نتیجه
۱۶۱.....	ضمائم
۱۸۱.....	کتابشناسی

پیشگفتار

پژوهش در تاریخ دیپلوماسی و مسائل سیاست خارجی، علیرغم جذابیت پژوهش آن، دشواریهای را به همراه دارد، که هر پژوهنده‌ای، خواه ناخواه با آنها روبرو خواهد شد. از مهمترین عواملی که در پژوهشهای دیپلماتیک تاثیر می‌گذارد، می‌توان به مشکلاتی چون: گزارشات ناقص و متضاد، جبهه‌گیریهای نویسندگان قدیم و جدید، فقدان یا تحریف اسناد سیاسی، تاثیرپذیری محققان از بینش‌های گوناگون، کمبود منابع ویژه و... اشاره نمود. هر طبقه از انواع منابع و مآخذ، شامل خاطرات، سفرنامه‌ها، اسناد دولتی و تحقیقات، باید با رعایت اصول علمی پژوهش تاریخی، بدقت بررسی، ارزیابی و مورد استفاده قرار گیرند.

این پژوهش، با هدف آشنا نمودن مباحثی از تاریخ دیپلوماسی ایران، سعی دارد بدون تحریف یا جانبداری، زوایای نسبتاً تاریکی از تاریخ روابط خارجی ایران با یکی از کشورهای مهم جهان را در مراحل اولیه‌اش روشن سازد. تحقیق درباره‌ی روابط سیاسی ایران عهد قاجار با ایالات متحده آمریکا، که براساس اصل «استفاده از قدرت سوم» برضد نفوذ انحصاری در روسیه و بریتانیا، پایه‌ریزی شد، نیازمند استفاده از انواع منابع و اسناد و مآخذ بوده و هست.

برای انجام حق مطلب و جهت بیان همه آرا و نظرات، مراجعه به کتب گوناگون الزامی بود، با این وجود و علیرغم وسواس و دقت در گزینش مطالب، ناگزیریم به وجود نواقصی در کار خود، اعتراف نمائیم. مع هذا، گردآوری نظرات و تطبیق آنها با یکدیگر و نیز، شناساندن موثق‌ترین آراء بوسیله انطباق با اسناد و روایات، امر تازه‌ای است که از آن می‌توانیم به نوآوری این پژوهش، یاد کنیم.

رفع اینچنین مشکلاتی در این بحث و تدوین نهائی این تحقیق دشوار، بدون یاری و مساعدتهای ارزنده استاد گرامی آقای دکتر مسعود فرنود بعنوان استاد راهنما و جناب دکتر حسین الهی بعنوان استاد مشاور، امکان پذیر نبود، پس بر خود واجب می‌بینم به این دو بزرگوار قدردانی و سپاس خود را ابلاغ کنم و برای ایشان آرزوی بهروزی نمایم.

وظیفه خود می‌دانم از کلیه کسانی که در پیمودن مراحل این تحقیق، با نظرات خویش یاری‌ام داده‌اند تشکر نمایم و همچنین مایلیم که تشکرات قلبی خود را به مسئولین کتابخانه‌های دانشکده ادبیات مشهد، آستان قدس رضوی، دانشکده‌های وابسته به دانشگاه فردوسی مشهد، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، کتابخانه ملک، آرشیو سازمان اسناد ملی و دیگر مراکز تحقیقاتی، عرضه دارم. و برای کارمندان این مراکز موفقیت بیشتری را خواستار شوم.

در این پژوهش، گاه نظراتی ارائه داده‌ام که در اینجا، لازم می‌بینم اضافه کنم که مسئولیت ابراز این نظرات را خود برعهده دارم و اشتباهات آن مسلماً متوجه من می‌باشد.

والسلام

محمد نبی سلیم

مشهد - تابستان ۱۳۷۴

مقدمه

کشور کهنسال ایران، از روزگاران دور، گذرگاه ملل شرق و غرب و محل تماس ملیتها و عقاید گوناگون بوده است و رخدادهای تاریخ پرفراز و نشیب این کشور، مؤید چنین حقیقتی است. تاریخ مناسبات ایران با کشورهای دیگر، از دوران باستان تا کنون، مشخون از حقایق تلخ و شیرینی است که بررسی هر کدام از آنها، نیازمند پژوهشهای طولانی و کنجکاوانه می باشد. در این راستا، مطالعه روابط خارجی، بویژه در دوران تحرک دیپلوماسی ایران، اهمیت بسیاری در تبیین پدیده های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور و تحولات سیاسی حکومت و ملت داشته و دارد، که جذابیت و حلاوت این بحث را نیز نشان می دهد.

در تقسیم بندی مباحث تاریخ روابط خارجی ایران، دوره قاجاریه از اهمیت ویژه ای برخوردار است که ناشی از خصائص این عهد است: تجدید وحدت سیاسی کشور، درگیری و ارتباط بیشتر با سیاست بین المللی، همزمانی با وقایع مهم اروپا (تحولات سیاسی و اقتصادی و علمی)، توجه و آشنائی بیشتر ایرانیان با مظاهر تمدن بیگانه و... و در همین راستا، توجه و علاقمندی دول استعماری به ایران، بدلیل نقش حساس آن از لحاظ

موقعیت‌های جغرافیائی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، قابل تعمق می‌باشد. در آستانهٔ قرن ۱۹ میلادی، کشور روسیه در حرکتی خزننده و آرام بسوی آبهای گرم جنوب و ثروتهای هندوستان و انگلستان در تلاش جهت تثبیت و تأمین سیطرهٔ خود بر شبه قارهٔ هند و خلیج فارس، سیاست شرقی خود را فعالتر کردند. تزاریسم روسیه در شمال ایران و بویژه پس از جنگهای اوّل و دوّم، نفوذ خود را گسترش داده و هر زمان به اعمال فشار بر ایران ضعیف شده می‌پرداخت و انگلیس هم در جنوب و همسایگی ایران، کشور ما را سپر بلای هند در برابر تجاوزات احتمالی دولتهای اروپائی و روسیه قرار داده بود. بدین لحاظ در طی قرن ۱۹، ایران عرصهٔ رقابت و رخنه روس و انگلیس در زمینه‌های گوناگون شد و بواسطهٔ ضعف سیاست خارجی قاجاران و جانبداریهای رجال درباری، استقلال خویش را عملاً از دست داد.

از آنجا که دربار قاجار کانون رقابت و دسائس دو قدرت زمان شده و مجالی برای کسب استقلال سیاسی اقتصادی به ایران، جهت پیشرفت و توسعه داده نمی‌شد، ایرانیان بر آن شدند که با علاقمند کردن کشورهای قدرتمند دیگر و کشاندن پای آنها به ایران، فشار روزافزون روس و انگلیس را کاهش دهند و حتی از رقابت قدرتها، برای استقلال عملی کشور سود جویند. این چنین بود که سیاست و تز «گرایش به قدرت ثالث» از نیمهٔ دوران قاجار، مطمح نظر سیاسیون ایرانی قرار گرفت و اولین بار بطور جدی، به کشورهایی چون آمریکا، فرانسه، آلمان و... عنایت نشان داده شد. دوران ناصری، نشانگر تمایل ایرانیان به جلب مساعدتها و بهره‌وری از تخصص کشورهای بیطرف و غیر استعمارگر بود. که اولین تجلیات آن استخدام معلمین برای دارالفنون و عقد قرارداد مودت با بلژیک، اطیش، آمریکا، و... بود. این سیاست، در بقیه دورهٔ قاجاریه هم. استمرار داشت.

کشور ایالات متحده آمریکا که تاریخی ۲۰۰ ساله دارد، تنها بعد از جنگ جهانی دوم بود که عملاً وارد عرصه رقابتهای استعماری گردید و بدلیل ضدیت با نهضتهای انقلابی، به «شیطان بزرگ» ملقب گردید. اما عدم چنین وجهه امپریالیستی در قرن ۱۹، سبب شد تا بدلائل ذیل، کشورهای شرقی منجمله ایران، رو به سوی این کشور نمایند؛ لذا عواملی چند همچون نیاز به تخصص کارشناسی امریکائی، مسئله میسیونرها و اتباع امریکائی، رقابت اقتصادی آمریکا با دول استعماری (در اوایل قرن ۲۰) و... موجبات ایجاد روابط با ایالات متحده آمریکا را فراهم کرد. مع هذا، عواملی چون، مسائل داخلی آمریکا و سیاست انزوا طلبی این کشور، فقدان جاذبههای اقتصادی در ایران برای امریکائیهها، بی ثباتی اوضاع داخلی ایران، عدم تمایل آمریکا برای درگیری با روس و انگلیس در صحنه ایران، تمایزات فرهنگی و تمدنی دو کشور ایران و آمریکا و عدم شناخت دو حکومت و دو ملت از یکدیگر، مانع تعمیق و گسترش این روابط گردید.



برای پژوهش در مورد چنین مقطعی از تاریخ روابط خارجی ایران که مباحث آن جزئی، مختصر و پراکنده می باشد، دشواریهای بسیاری وجود دارد. عموم پژوهشهای تاریخ معاصر، بدلائلی چون فقدان دستمایه کافی و عدم اشراف محقق به مسائل پشت پرده، ممکن است که در سطح لغزیده یا بصورت قالب پردازی از تحقیقات نویسندگان بیگانه در آید و دچار سطحی نگری و غرض ورزی شود. هر چند این حکم مطلق نیست، اما بیشتر تالیفات و کتابهای تاریخ معاصر از داشتن نواقص عدیده، عاری نیستند. نکته مهمتر آنست که، فقدان اسناد بسنده و موثق و عدم دسترسی به همه روایات و مدارک، کار چنین پژوهشهایی در تاریخ دیپلوماتیک را دشوار و دشوارتر می سازد. همچنین، گزینش

روایت صحیح از میان همه روایات^{متضاد} و حتی یکسان، مشکل کار پژوهنده تاریخ معاصر را نشان می‌دهد. ضمن اینکه باید به دشواریهای دیگر چون: تناقضات اقوال در یک قضیه، تاثیر گرایشات فکری نویسندگان بر قضاوتهایشان، پیچیدگی استنادات، کمبود و فقدان اسناد مکفی و... اشاره کرد، که هر کدام می‌توانند در انحراف پژوهشگر از حقیقت تاثیر گذارند.

با این همه، کنکاش در مباحث تاریخ روابط خارجی ایران، نتایج جالبی را در پیش چشم پژوهشگر آن می‌آورد که علیرغم دشواری به لذت شناختشان می‌ارزد. از آنجائی که در بیشتر منابع تاریخ معاصر، به روابط ایران و قدرتهای بزرگ و صاحب نفوذ پرداخته شده است، بحث مناسبات ایران و ایالات متحده آمریکا، بویژه با عنایت به برداشت و دیدگاه کنونی ما از آمریکا، می‌تواند جالب باشد. این بحث، کمک می‌کند تا ضمن آشنائی با دیپلوماسی ایران و آمریکا در مقطع آغازین، زمینه‌های روی کرد این دو کشور به یکدیگر و سوابق پیوستگی و گسستگی آنان در قرن ۱۹ و ۲۰، شناخته گردد.

روش کار در این پژوهش، پس از مراجعه به انواع منابع و مراجع شناسائی شده، گزینش منتخبی از کاملترین نظرات، موثقتترین اسناد و برجسته‌ترین روایات بوده است که ضمن تطبیق مطالب نویسندگان قدیم و جدید با مدارک و اسناد گوناگون، سعی شده است تا در قالب یک تحقیق نه مفصل و نه مختصر، ارائه گردد و اکثر مطالب مرتبط با این بحث، در جای خود و به ترتیب تاریخی ذکر شوند. ضمناً تلاش ما بر آن بوده که بدون تأثیرپذیری مطلق از تحقیقات پژوهشگرانی که در باب روابط خارجی ایران کار کرده‌اند، آراء و نظریات گوناگون و متضاد از منابع و مأخذ را گردآوری، دسته بندی و ارزیابی کنیم. و در راستای یک پژوهش علمی تاریخی، با مقایسه داده‌ها و تجزیه و تحلیل مطالب، نتایجی را بدست

آوریم تا اصالت هدف تحقیق حفظ گردد. طبعاً، ارزیابی نظریات متعدد و پاسخ به برخی ابهامات موجود در این مورد و تحریک به ایجاد سؤال در اذهان خوانندگان، می‌تواند نوآوری این پژوهش تلقی شود، تا نظر خوانندگان محترم چه باشد.

تدوین این رساله در ۹ فصل صورت پذیرفت، که این امر تا حدودی ناشی از ویژگیهای بحث روابط ایران و آمریکا بوده است و لذا مباحث عمده و برجسته این مقطع ۷۰ ساله، در فصول متعدد و خاص آورده شده است.

در فصل اول، تاریخچه مناسبات خارجی ایران با غرب از قرن ۱۳ م / ۷ ق، مختصراً ذکر شده و مسیر تحولات دیپلوماسی اروپا و ایران و زمینه‌های نفوذ بیگانگان، بررسی شده است. بدلیل نیاز به شناخت شرائط تاریخی و سیاسی ایالات متحده آمریکا و علل و چگونگی فعال شدن سیاست خارجی آن کشور در عرصه جهانی، فصل دوم با عنوان «نگاهی به تاریخ ایالات متحده آمریکا» تدوین یافته شده است. از آنجا که حضور میسیونرها و اتباع آمریکائی در ایران، انگیزه شروع روابط سیاسی دو کشور قلمداد می‌شود، فصل سوم را به این گروه اختصاص داده‌ایم. فصل چهارم به زمینه‌ها و مقدمات و مسیر برقراری مناسبات سیاسی دو کشور از (۱۸۵۶ تا ۱۸۸۳) می‌پردازد. در فصل پنجم، سه دهه اول روابط ایران و آمریکا، با نگاهی به تلاشهای اقتصادی و فرهنگی آمریکائیه در ایران، مورد ارزیابی قرار گرفته و در فصل ششم، به تجلی اولین حضور علنی ایالات متحده یعنی کارشناسان اقتصادی آن کشور، تحت عنوان «هیئت شوستر» پرداخته شده است. فصل هفتم، براساس همکاری و همفکری نسبی دولتین فوق الذکر، در قضایای جنگ جهانی اول و قرارداد ۱۹۱۹، که بر احساسات دوستانه آن دو افزود، شکل گرفته شده و

فصل هشتم، جریان اعطاء امتیاز استخراج نفت شمال ایران به آمریکا در خلال سالهای ۳-۱۳۰۰ خ / ۲۴-۱۹۲۱ م را که به ناکامی انجامید بررسی می‌کند و فصل نهم، به دومین هیئت کارشناسی آمریکائی در ایران، هیئت میلسپو در سالهای ۴-۱۳۰۱ خ / ۲۵-۱۹۲۲ م، اختصاص می‌یابد، که هر چند تا دومین سال سلطنت پهلوی اول ادامه دارد، لیکن با عنایت به خارج بودن آن بحث از محدوده این تحقیق، مختصراً به نتایج آن اشاره نموده‌ایم.

منابع این پژوهش، همانند دیگر تحقیقات متشابه با آن، شامل اسناد روابط خارجی، خاطرات، سفرنامه‌ها، مقالات و تحقیقات متأخرین می‌باشد که در دسته بندی آنها، بایستی اسناد و مدارک رسمی دولتی را در رأس قرار داد، لیکن این نوع منابع، عموماً دور از دسترس محققین می‌باشد، فی المثل، اسناد وزارت خارجه ایالات متحده در اختیار نگارنده قرار نداشت و لهذا ناچار بودم به اسناد چاپ شده و یا استنادات نویسندگان غربی و آمریکائی از این اسناد، مراجعه کنم. همچنین اسناد کتاب آبی وزارت خارجه انگلیس، هر چند در مورد صحت کامل آنها تردید وجود دارد، مورد استفاده واقع شد، لیکن فقط در یک مقطع زمانی و یک مبحث خاص، می‌شد به آنها مراجعه نمود. [فصل ۶] صرفنظر از کتب تاریخ عمومی یا تاریخ سلسله‌ای عهد قاجار، که ندرتاً اشاره‌ای به روابط خارجی با آمریکا داشته‌اند، سفرنامه‌های سیاحان و دیپلماتها، از منابع ارزشمندی بود که مورد استفاده قرار گرفت ولی با رعایت احتیاط. سفرنامه‌های آمریکائیها چون ویشارد و جکسن، عموماً به توجیه حسن نیت آمریکائیها و یا مسائل فرهنگی پرداخته‌اند و نوشته‌های وابستگان سیاسی اروپائی همچون کُرنز، سایکس، اسکرین، دیپلماتهای

انگلیسی، به خرده‌گیری و نکوهش آمریکائیان توجه داشته‌اند.

خاطرات رجال و معاصران که از مآخذ مهم پژوهش‌های تاریخ معاصر می‌باشد، علیرغم امتیازاتشان، دشواریهایی را نیز برای محقق خرده‌بین فراهم می‌سازند. خاطرات دولت آبادی، مخبرالسلطنه هدایت، شریف‌کاشانی، مستوفی و دیگر معاصرین، گاه با مبالغه‌گوئی یا گزافه‌گوئی و خرده‌بینی همراه می‌شود و محقق را دچار زحمت می‌سازد. فی‌المثل «خاطرات سید علی محمد دولت آبادی» با نظر مغرضانه و عداوت آمیز به هیئت مستشاری آمریکا در عهد مشروطه، تحریر یافته و حال اینکه در خاطرات شریف‌کاشانی تحت عنوان «واقعات اتفاقیه در روزگار» تقریباً برخلاف دولت‌آبادی، نظر داده شده است.

کتابهای نویسندگان آمریکائی از دوره قاجار مانند «اختناق ایران» از شوستر و «ماموریت آمریکائیه‌ها در ایران» از میلیسو «ایران و ایرانیان» از سفیر آمریکا بنجامین، ظاهراً وقایع را یکجانبه مورد قضاوت قرار داده‌اند و گاه به توجیه اشتباهات و افعال خویش پرداخته‌اند، ضمن آنکه بعضاً، انتقادات نابجائی نیز، از حکومت و ملت ایران نموده‌اند.

منابع فرعی دیگر منجمله روزنامه‌ها، گزارشات اقتصادی، منابع ادبی، فرامین و... در این پژوهش، گاهی مورد استفاده واقع شده‌اند لیکن به دلیل کم‌اهمیت بودنشان، تاکید زیادی بر آنها صورت نگرفته است.

تحقیقات متأخرین، که خوشبختانه تعدادشان بیشتر است؛ شامل ۳ دسته می‌باشند:

۱- کتابهای مربوط به روابط خارجی ایران همچون «تاریخ روابط ایران و قدرتهای بزرگ» از ایرج ذوقی، «روس و انگلیس در ایران» کاظم‌زاده و «سیاست اروپا در ایران» از محمود افشار و... که با استناد به اسناد رسمی دولتی نگارش یافته‌اند.

۲- کتابهای مربوط به مسائل سیاسی تاریخ معاصر همچون «تاریخ ۲۰ ساله ایران»، از حسین

مکی، «تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان» کسروی، «تاریخ مختصر احزاب سیاسی» از ملک الشعرای بهار، «تاریخ معاصر ایران» از پیتر آوری و... که دارای ارزش ویژه، بدلیل پرداختن به یک موضوع خاص می‌باشند:

۳- کتب گوناگونی که در زمینه‌های مختلف نگارش شده و اشاراتی هم به موضوع مورد بحث ما داشته‌اند مثل: «امیر کبیر و ایران» آدمیت، «پنجاه سال نفت ایران» فاتح و «ایران در جنگ جهانی اول» از سپهر و میروشنیکف و...

آنچه در این سه گروه مآخذ باید مطمح نظر قرارگیرد آنست که با توجه به ملیت و ایدئولوژی این محققان، باید به ارزیابی تالیفاتشان پرداخت، زیرا حتی بنا به اعتراف این محققان، گاه مآخذ فوق به جبهه‌گیری و جانبداری و غرض ورزیهای شخصی آلوده شده‌اند.

همچنین باید از مآخذ خارجی ذکر کنیم که عموماً تحقیقات پژوهشگران غربی در زمینه مسائل دیپلماتیک هستند همانند کتب این نویسندگان: Nazim, Frye, Denovo, Pratt, Mcdaniel, Greaves, Ramazani, و...

در اینجا لازم می‌بینم به کتابهایی که در زمینه آمریکا و مسائل آن، اشارات بیشتری دارند اشاره کنم: نظیر «سیاست آمریکا در ایران» کیانفر، «آمریکائیا در ایران» رامتین، «پیوندهای فرهنگی ایران و آمریکا» صالح که در دوران پهلوی، با تاکید بر حسن نیت آمریکا تحریر یافته‌اند و در مقابل کتابهایی با جنبه آمریکائی و ضد امپریالیستی نظیر: «تاریخ توسعه طلبی آمریکا در ایران» از بوندارفسکی و «حاجی واشینگتن» از اسکندر دلدوم، «میراث خوار استعمار» از مهدی بهار و...

در خاتمه با اشاره به دو کتاب ویژه در خصوص موضوع این رساله، بنامهای «روابط سیاسی

ایران و آمریکا» از نویسنده آمریکائی، آبراهام یلسون و «تاریخ روابط ایران و ممالک متحده آمریکا» از رحیم رضازاده ملک، بر این نکته تأکید می‌کنم که در این پژوهش تا حد امکان از تأثیرپذیری و الگو برداری از دو کتاب فوق یا مآخذ یاد شده، اجتناب شده است و تلاش گردیده تا کاری متفاوت و پژوهش دیگرگون، تهیه و ارائه شود. مضافاً به اینکه، منابع مورد استفاده ما، به مراتب متعددتر و جدیدتر از منابع دو کتاب مذکور می‌باشند.

امید است، این پژوهش که بی‌گمان نواقص آن متوجه من می‌باشد، گامی در راه تدوین تاریخ کامل و موثق دیپلوماسی ایران، تلقی گردد.